

متن پرسش

به نام خدا . سلام. من دانشجوی سال آخر رشته ی کامپیوتر هستم، این ترم درسی داشتم با نام میانی فناوری اطلاعات. ما در این درس هرچه جلوتر می رویم با پیشرفت فناوری اطلاعات حضور انسان در فرآیند های مختلف داره کمرنگ و کمرنگ تر میشه و بجای انسان از ربات و عامل های هوشمند در جهت انجام امورات استفاده میشه ، و به دلیل هزینه کمتر ، احساس عدم خستگی عامل های فناوری اطلاعات، فعالیت شبانه روزی این عاملها، دقت بسیار بالا و خطای بسیار کم و راندمان بالا ، ... صاحبان کار و سرمایه به استفاده از این عاملها و ربات ها تمایل بیشتری نشان میدهند. اگر این فرآیند مبانی فناوری اطلاعات رو بررسی کنیم (مثل همین بانک ها که الان ۲۴ ساعته به مشتریانمون سرویس میدن و بخش زیادی از حجم کاریشون الکترونیک شده و بدون نیاز به انسان) این تعدیل نیرو ی انسانی در سازمان ها و شرکت ها از آغاز فناوری اطلاعات تا به امروز رشد بسیار زیادی داشته . اگر بخواهیم ۵۰ سال آینده و یا ۱۰۰ سال آینده رو نگاه کنیم میبینیم که در ۱۰۰ سال آینده ما فقط افرادی دارای شغل و شرایط زندگی خواهند بود که تخصص ویژه داشته باشند یعنی در بین سایر متخصصین حوزه مربوط به تخصص خود، برتر باشند. مثلا ما در ۷۰ سال آینده برای انجام یک عمل جراحی نیازی به تکنسین های اتاق عمل نخواهیم داشت، و رباط ها جای این تکنسین ها را خواهند گرفت، و فقط دکتر متخصص آن هم از راه دور و از طریق ویدئو کنفرانس عمل را هدایت خواهد کرد. با این تفاسیر ما نیازی به کارگر ، راننده ، کارمند، پرستار، حسابدار ، ... و دیگر شغل های عامیانه نخواهیم داشت و سیستم های الکترونیک و روباتیک جایگزین اینها خواهند شد و خیلی بهتر عمل خواهند کرد. مثلا ما در یک سازمان به افراد زیادی نیاز نخواهیم داشت و کسانی هم که وجود خواهند داشت قطعاً باید برای موقعیت های مهم و کلیدی سازمان باشند که برای حضور در این موقعیت ها هم باید متفاوت از سایرین باشند. در آینده میتونه پول به عنوان پشتوانه جامعه نباشد و تخصص و دانایی پشتوانه جامعه باشد. این یعنی فقط یه عده ی خاص که به لحاظ دانایی و تخصص خاص هستند میتوانند زنده بمانند و صاحبان دنیا خواهند بود و مردم عامی و کم سواد و حتی متوسط جامعه جایی برای درآمدزایی و کار براشون وجود نخواهد داشت. یعنی در آینده ۵۰-۱۰۰ سالی به جای ۸ میلیارد نفر ، جمعیت جهان باید به ۸۰۰ میلیون نفر و شاید کمتر ، تقلیل یابد و یا اینکه فقط برای ۸۰۰ میلیون نفر شرایط زندگی فراهم خواهد بود. داریم پس لرزه های این اتفاق مهم جهانی رو در امریکا و اروپا و در جنبش وال استریت میبینیم. و لی اصلا این داستان مورد بررسی قرار نمیگیره. الان اگه توجه کنید رشد جمعیتی در کشورهای پیشرفته عدد منفی رو به خودش اختصاص داده و این گویای این است که

مردم جوامع پیشرفته بدون اینکه به این موضوع فکر کنند دارن این موضوع رو درک میکنن. این دقیقا شبیه این است که مردم جهان در یک اتومبیل با بالاترین امکانات نشستن و و دارن یک مسیر پر پیشرفت رو طی میکنن ولی با گذشت زملن و بوجود آمدن پیشرفت جدید افرادی از این اتومبیل به بیرون انداخته میشن، یعنی هرچه پیشرفت رخ میده افراد بیشتری از درون این اتومبیل حذف میشن. داستان مهم و اتفاق فاجعه باری داره رخ میده. از محضر ارجمند حضرتعالی خواستارم که نظر خود را در مورد این موضوع بطور کامل بفرمائید. باسپاس فراوان

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: بحث مفصل آن را باید در آثار فلاسفه‌ای مثل هایدگر دنبال کنید. ایشان می‌فرمایند: رشد جهان در فرهنگ مدرنیته ریاضی‌گونه است و کمیّت امکان ادامه‌ی تا بی‌نهایت را ندارد و لذا از یک مرزی موضوع برعکس می‌شود و جهان تحمل ادامه‌ی نگاه کمیّت‌گرا را بر خود ندارد چون طبیعت بالذات تابع احکام ریاضی نیست. جهت بررسی بیشتر می‌توانید به کتاب «فلسفه در بحران» مقاله‌ی هایدگر و «گشایش راه تفکر» از دکتر داوری رجوع فرمایید. موفق باشید